

خلاصه مطالب:

بررسی و تحلیل مشکلات و مسائل کشور در ((زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی)) و توسعه و ارائه رهیافت ها، از ابتدای شکل گیری جمهوری اسلامی ایران مورد توجه کارشناسان و متفکرین در حوزه های علوم مختلف بوده است. اکنون تحقیقاً مشخص شده است که گلوگاه های فساد مالی و اقتصادی، عوامل اصلی ایجاد فساد اداری، عدم توسعه و پیشرفت ... چه هستند؟ شیوه هایی نیز برای این مباحث با هزاران مقاله، پژوهش و کتاب در این زمینه چاپ و منتشر شده است، که بیانگر توجه روشنفکران اساتید دانشگاهها و مخلصین به نظام حکومت اسلامی و محققین، دلسوزان و دستگاه اجرایی کشور به این موضوعات بوده است. بنابر این با پرداختن به این موضوعات، تاکنون گره ای از این معضلات و مشکلات گشایش نشده است.

آنچه اکنون باید تحقیق و مطالعه شود؛ بررسی این موضوع است که چرا برغم شناخت مشکلات و دانستن روشهای حل آن، هنوز توفیقات کاملی بدست نیامده است؟

مدخل گفتار این مقال را با استعانت از سخنان رهبر حکیم انقلاب اسلامی در نماز عید فطر سال ۱۳۸۶ آغاز می کنم، ایشان با اشاره صریح به اسراف به عنوان یک رفتار و عادت ملی نامعقول، در حقیقت دریچه ای تازه را برای مطالعات کارشناسی گشودند اکنون زمان آن رسیده است، از بیانات ایشان سود جسته و در ریشه یابی عوامل مشکلات کشور، به جزء عناصر معروف و مشهور به جهات اجتماعی و فرهنگی منفی ملی نیز به صراحت توجه شود. از این رو شایسته است با طرح موضوعاتی در حوزه اخلاق، فرهنگ و عادات و رفتارهای اجتماعی موثر بر نابسامانی های اقتصادی و اداری آن هم در جمع علاقمندان به جمهوری اسلامی و نه در صحنه عمومی کنکاش کرد.

پیشتر باید گفته شود، موارد مطرح شده بر پایه درک علمی، اجرایی، تجربی و شخصی بدست آمده است، موضوعات را بصورت مستقل بشرح زیر اعلام می دارد:

دولت، قدرت فائقه و افسانه ای است: بدلیل پیشینه تاریخی و استیلای مطلق حکومت ها بر همه شئون زندگی، این باور در اندیشه مردم از دیر باز ایجاد شده است که دولت قدرتی بسیط و افسانه ای است. همه امکانات و توانایی ها در اختیار اوست. از این رو در مواجهه با مسائل کشور، همه چیز را از دولت مطالبه می کنند. از سویی دیگر نیز مسئولیتی جدی برای خود قائل نیستند. در مصاحبه هایی که با مردم انجام می شود. غالباً برای رفع هر مشکلی دولت را خطاب می کنند، برای رفع بیکاری، از دولت می خواهند که تولید اشتغال کرده و کارخانه بسازد، برای نظافت شهر از دولت می خواهند که برای نظافت اقدام نماید، همه خواسته های کوچک و بزرگ را از دولت می خواهند، روشن است این نوع اتکای منفعلانه به دولت، تحرک جدی و بنیادی را در جامعه برای تحقق اهداف توسعه بدنبال نخواهد داشت.

تفاوت میان وجدان جمعی و وجدان فردی: در جوامع با نسبیت بالای همگنی، آنچه که یک فرد می اندیشد و معتقد است با اندیشه و اعتقاد جامعه بسیار نزدیک و مشابه است.

اما در جامعه ما در برخی موضوعات اخلاقی و اجتماعی، میان وجدان جمعی و فردی تفاوت های فاحشی وجود دارد. مردم در جمعیت های کوچک و بزرگی که قرار می گیرند، مشترکاً به نکاتی توجه دارند، که در موقعیت فردی

چندان به آن استوار نیستند، در مجالس عمومی همگی به لزوم قانون‌گرایی، در نفی رابطه بازی، و مذمت ثروت اندوزی و سایر مسائل مطروحه در جامعه ... تأکید می‌کنند و همه به گونه‌ای ادعا می‌کنند، ولی آنگاه که در شرایط فردی با این مسائل مواجه می‌شوند، گروهی غیر از آن رفتار می‌کنند.

همگی از دور ریز نان و مصرف بی‌رویه سوخت متنفر و منزجر هستند، برآستی اگر چنین است، پس این مصرفان چه کسانی هستند؟

اتحاد در دفع زیان و افتراق در جلب سود: مصادیق فراوانی را می‌توان برای این خصوصیت برشمرد، برای نمونه این ویژگی را می‌توان در عرصه ملی و در دو موقعیت متفاوت کشور بررسی کرد، در دوران جنگ تحمیلی همه مردم برای رفع زیان ناشی از اشغال سرزمین در بالاترین حد اتحاد و همبستگی، حوادث شگفت‌انگیزی خلق کردند. اما در دوران سازندگی که موضوع کسب سود ملی مطرح بود، با کاستی‌هایی در میزان فداکاری و همبستگی مواجه شدیم.

با یک گل بهار همیشه: بارها از مردم در مورد، عدم رعایت نظافت و نگهداری وسایل عمومی سوال شده است، پاسخ غالب آنها جالب است، با من یکی که درست نمی‌شه، باید همه رعایت کنند که نتیجه بخش باشد، این نگرش که دیگران باید کاری انجام دهند تا من نیز، در واقع به معنای موکول کردن ایفای مسئولیت فردی پس از ایفای مسئولیت آن توسط کل جامعه است. حالا اگر همه افراد جامعه چنین اعتقادی داشته باشند. روشن است که دیگر اساساً وقوع عینی و عملی نخواهد داشت، متأسفانه این نگرش، در بدنه دستگاه‌های اجرایی نیز بشدت فعال و نمایانگر است.

نگاه بدبینانه به دولت: بسیاری از افراد جامعه از پیش و بدون هیچ تردیدی، بدنه دستگاه‌های حکومتی را ناتوان، رابطه باز و دچار فساد و ضعف می‌دانند. این بدبینی بی‌پایه در مشارکت و همکاری مردم با دستگاه‌های اجرایی تأثیر نامطلوبی خواهد داشت.

فردگرایی مفرط: فرار از قوانین به خاطر سود فردی، رعایت نکردن نوبت، تلاش برای کسب منفعت شخصی با تضییع حق دیگران، اتفاقاتی است که ملاحظه هر روزه و مکرر آن اصلاً، دیگر جای تأسف و اعجابی را بدنبال ندارد و اموری بطور عادی و مقبول در زندگی عمومی شده است.

حق من تضییع شده است: یکی از عادات رایج غالب جامعه این است، که همواره احساس می‌کنند، حق آنها ادا نشده و یا تضییع شده است این ادعای تضییع حق در حوزه‌های خانوادگی، اجتماعی، اداری و ... افراد مطرح است.

غلبه احساس بر عقل: احساسات و عواطف از جمله خصوصیات بارز فردی و شالوده روابط اجتماعی در جامعه است، البته احساس و عاطفه از لوازم حیات بشری و در بخش‌هایی نیز اثرات معجزه‌آسایی دارد، اما دخالت آن در امور عقلی و فعالیت‌های خرد و روزانه، سبب بروز ناکامی در دست‌یابی به اهداف حسابگرانه خواهد شد، این رویکرد در جامعه، بعضاً از موانع توسعه است.

اصالتهای اعتباری: اصالت طایفه، شرافت خانوادگی، برتری جنسی و سن، تفوق‌هایی شامل: ثروت، قدرت جسمی فردی و نیز قدرت جمعی قبیله‌ای از جمله عناصر شکل‌گیری روابط اجتماعی در جامعه ماست که گاه بصورت یک مانع توسعه، عمل می‌کند.

میل به برنامه ریزی کوتاه مدت: عادت مردم برای برنامه‌ریزی تقریباً یک ساله است، این خصیصه نیز ناشی از فرهنگ کشاورزی است که در آن عملاً هر دوره فعالیت تولید محصولات کشاورزی صرفاً در دوره حداکثر یک ساله بوده است، از این رو مردم غالباً، در رسیدن به اهداف خود، بیش از یکسال را تحمل نخواهند کرد. روشن است، بی‌صبری در تحقق برنامه‌های فعالیت‌های صنعتی، عمرانی و اقتصادی که مستلزم زمانهایی بیش از ۵ سال هستند، مانعی برای هدفمندی و امیدواری خواهد بود.

خلاصه اینکه؛ مشکل اصلی بستگی به اعتقادات مذهبی و فرهنگی افراد و جامعه دارد.

نیاز به اصلاح فرهنگ و بالا بردن آن در جامعه بسیار ضروری و مشکل‌گشا می‌تواند باشد. در ادامه بحث باید عنوان داشت چنانچه بخواهیم فساد را در قالب یک معادله ارائه دهیم این معادله بدین صورت خواهد بود:

انحصار طلبی به علاوه سوء استفاده از قدرت منهای پاسخگویی و شفافیت عملکرد مساوی با فساد است. مهمترین دلیل بروز و ظهور انواع فساد در یک نظام سیاسی و یا اداری وجود مدیران ناکارآمد و نیز فقدان نظارت صحیح، قوی و مستمر است.

برای شناختن نظام اداری سالم یا فاسد باید ابتدا نظام اداری سالم را شناخت:

دستگاه بوروکراسی سالم دستگاهی است، که کارکنان آن وظایف خود را در قبال شهروندان به نحو شایسته و در ازای حقوق معین انجام می‌دهند، هر جریانی که در این روند خلل ایجاد کند ((فساد)) بشمار می‌آید.

فساد اداری از نظر اصطلاحی بر اساس تعریف بانک جهانی، به معنای استفاده از امکانات و منابع عمومی برای منافع و سود شخصی از سوی مدیران، کارگزاران و پاپوران سازمانهای اداری و موسسات است.

علت وجود پدیده فساد اداری، انحصار و نیز وجود قوانین بازدارنده برای مداخله عوامل مختلف برای عرضه یک خدمت و یا کالای خاص است، بنابراین آنجا که رانت (امکان کسب سود انحصاری ناشی از داشتن یک موقعیت خاص) وجود دارد، فساد اداری هم وجود دارد.

اقتصاد تک محصولی و وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، حضور دولت در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، فقدان نظارت قوی و کارآمد، عدم تخصص و تعهد در نظام دولتی، عدم ثبات اقتصادی، تورم لجام‌گسیخته، رکود و کاهش درآمد و قدرت خرید مردم، عدم عدالت اقتصادی و اجتماعی، توزیع نامناسب امکانات و تسهیلات در جامعه و امثال این موارد از عمده‌ترین ریشه‌های اقتصادی فساد اداری بشمار می‌آیند.

اساساً در هر جامعه‌ای، دولت می‌بایست سه وظیفه اصلی را عهده‌دار شود:

- ۱- تامین امنیت
- ۲- بهداشت و سلامت
- ۳- آموزش و فرهنگ سازی

در کنار این سه مقوله اساسی، فراهم نمودن زمینه مساعد برای گسترش زیر ساختهای توسعه اقتصادی، با هدایت و مدیریت منابع دولت نیز مورد نیاز می باشد، ولی به هر میزان که از این وظایف اصلی خود دور شوند، به همان میزان دچار انحراف و فساد می شود.

تشکیلات و ساختار اداری غیر پویا، حجیم و نامتناسب بودن با اهداف و وظایف، پیچیدگی قوانین و مقررات و تعداد بخشنامه ها و دستورالعمل های اداری، مدیران غیر موثر، فقدان نظام شایسته سالیاری، وجود تبعیضات در استخدام، انتصاب و ارتقای افراد غیر متخصص، نارسایی در نظام حقوق و دستمزد، نظام پاداش و تشویق و تنبیه بموقع و به ویژه نظام نظارت و ارزشیابی، ترجیح اهداف گروهی به اهداف سازمانی و ناآگاهی ارباب رجوع به فرآیندهای اداری و حقوق خود از عوامل اداری، تسهیل کننده فساد اداری هستند.

در کشورهای صنعتی، فساد بیشتر در رده های بالای جامعه متمرکز است درحالیکه در کشورهای در حال توسعه فساد تمام زیربوم جامعه را در بر گرفته است. شاخص بین المللی فساد، میزان فساد را از صفر تا ده نشان می دهد. بگونه ای که هرچه کشوری فسادش کمتر باشد، نمره بیشتری دریافت می کند. توسعه نیافتگی و فساد همانند یک دور باطل یکدیگر را تقویت می کنند و فساد سیاسی و اقتصادی را به وجهی از خصوصیت جوامع توسعه نیافته تبدیل می نمایند.

گلوگاههای فساد مالی و اقتصادی:

تعدد قوانین و مقررات در کشور، موجب شده است، که افراد برداشتهای متفاوتی از قوانین پیدا کنند، و عملاً منشاء فساد مالی و اقتصادی شوند، لذا قوانین و مقررات بایستی طوری وضع گردد، که زمینه فساد را به حداقل برساند. پرداخت یارانه های دولتی از عوامل دیگر است، مثل یارانه آرد و نان، ارزاق عمومی، تسهیلات بانکی و... که بدلیل اختلاف قیمت این عوامل در مقایسه با قیمت دولتی آنها و عدم نظارت صحیح مجریان امر و منافع بسیاری که بدنبال دارد عامل فساد مالی و اقتصادی است. و این یارانه ها، بطور صحیح و دقیق بین اقشار نیازمند و مستضعف تقسیم نمی گردد.

اخذ حقوق دولتی از فعالان اقتصادی که بابت خدمات دولتی از آنها دریافت می شود از جمله: ((مالیات، بیمه تامین اجتماعی، حقوق دولتی معادن، عوارض قانونی و عواملی از این قبیل)) که بعضاً افراد تمایلی به پرداخت آن نداشته و ندارند، که می تواند عاملی برای انحراف مجریان در عدم دریافت حقوق حقه دولت گردد.

اخذ حقوق عمومی از کلیه مردم طبق قوانین موجود مثل ((جریمه رانندگی، امتیاز پروانه های ساختمانی، آب و برق و...)) که بدلیل عدم شفافیت و نظارت دقیق نیز بعضاً منشاء بروز فساد شده است.

مزایده ها و مناقصه های دولتی، که برای توسعه زیرساختهای کشور از قبیل ((جاده و سد سازی، نیروگاه، راه آهن، ایجاد پروژه های صنعتی، معدنی و کشاورزی، ایجاد فضاهای اداری و...)) به مردم واگذار میشود تا با نظارت دولت این امور انجام گیرد، در نحوه واگذاری و انتخاب افراد بدلیل ضعف در نظارت و نحوه انجام آن یکی از عوامل ایجاد فساد مالی است، که در این مورد رعایت قانون باید مد نظر قرار گیرد.

در استانهای عشره ای مانند لرستان، با توجه به شناخت مجموعه استان از همدیگر، خواسته غیر قانونی خود را با واسطه فامیلی و آشنایی، مجری دولت را چنان در تنگناها قرار می دهند تا به خواسته های غیر قانونی و غیر شرعی خود برسند.

کانوهای سیاسی دارای قدرت، بعضا افراد دارای منصب (نماینده، معاون استاندار، فرماندار و بخشدار، عضو شورای شهر و...) با مراجعه افراد و توصیه های خود می توانند، عامل ایجاد فساد و رکود توسعه جامعه اسلامی شوند. کمکهای دولت، و اختصاص بودجه قابل توجهی برای اقشار کم درآمد که جهت توسعه مناطق محروم استان اختصاص می یابد، مکانیزم عمل و اجرای آن طوری تدوین شده است که حداکثر بهره را اقشار آسیب پذیر ببرند، ولی بدلیل نظارت ضعیف، عوامل اداری و اجرایی، دچار رانت خواری ویژه میشوند.

عدم باور در بعضی از مدیران اجرایی در بُعد نظارتی، از عواملی است که مجموعه را طوری هدایت میکنند که افراد فرصت پیدا می کنند، خلاف ضوابط عمل کرده و سوء استفاده هایی از موقعیت خود داشته باشند، که این عمل منجر به فساد اداری می شود.

از عوامل دیگر، تبعیض در سیستم اداری است. که به بی عدالتی دامن می زند، نابرابری در کلیه سطوح کارکنان و کارشناسان و وظیفه شناسان متعهد، دادن مزایا و پرداخت ها به عده ای که محقق نبوده و نیستند و در نهایت، منجر به بی عدالتی، بی نظمی و تبعیض شده و می تواند باعث فساد اداری شود.

موانع اصلی در اجرای قانون اساسی :

بخش مهمی از موانع اجرای قانون اساسی در کشور ما، ابهام و تناقض هایی است که، در درون دستورالعمل های اجرایی و مصوبات قانون اساسی وجود دارد، بخش مهمی از سوء تفاهم ها و اختلافهای کنونی بر سر اجرای قانون اساسی از همین ابهام ها ناشی می شود.

از عوامل دیگر ایجاد موانع در اجرای قانون اساسی، مناسبات و شکل بندی های موجود در ساختار سیاسی ایران است، به گونه ای که گروههایی می توانند با انتساب خود به این یا آن نهاد قدرت، از پاسخگویی در برابر افکار عمومی یا رییس جمهوری و یا حتی قانون طفره روند. واقعیت این است که بخش اصلی و یا حتی همه موانع موجود بر سر اجرای قانون اساسی ایران را باید در جنگ قدرت جست و جو کرد.

موانع اصلی در اجرای بموقع برنامه های توسعه کشور :

عدم نظارت دقیق و منطقی بر عملکرد سازمانها درخصوص عوامل ورودی و بررسی نتیجه عملکرد سازمانها که هیچ همخوانی با یکدیگر نداشته و بهره وری، ارتقاء عملکرد و بازده کاری در مقایسه با ورودی و وظیفه اصلی سازمانها بسیار کم می باشد، این امر نیاز به نظارت دقیق بر عملکرد واقعی سازمانها دارد نه آمارهای ارائه شده در مکاتبات و کاغذها .

یکی دیگر از این عوامل، ترس مدیران از اعمال قانون می باشد، بحث محافظه کاری یکی از آفتهای مدیریتی کشور شده است، مدیر احساس می کند، مدیریت کنم، بهتر است یا اعمال قانون، چون پیش بینی می کند با برخورد با متخلفین برایش توسط افراد فرصت طلب و متنفذ مشکل سازی نمایند.

اقتصاد نفتی و اتکای دولت بر درآمدهای نفتی با توجه به متغیر بودن قیمت و بازار نفت در جهان، به همین میزان سبب متغیر شدن فاکتورهای برنامه دولت خواهد شد.

حضور دولت بر عرصه فعالیتهای اقتصادی که فساد اداری و مالی (علت تمایل به طولانی شدن پروژه ها و تحمیل هزینه های گزاف و غیر ضروری و... است) را بدنبال دارد.

پیشنهادات و انتظارات از دستگاه نظارتی و بازرسی :

مهم ترین عامل در عملکرد و بالا رفتن راندمان مجموعه دولت، کاهش شدید نیروی انسانی موجود غیر کارآمد و بی تعهد و دردستگاههای اجرایی با اجرای بازنشستگی پیش از موعد کارکنان بالای ۲۵ سال سابقه کار با در نظر گرفتن کارآیی آنها، عدم استخدام نیروی انسانی جدید بجای آنها که پس از آن با دقت نظر بسیار، و گزینش دقیق نیروهای متخصص در صورت نیاز و بسیار محدود می توان، افراد را جایگزین نمود، تا با این عمل تسریع در اصلاح ساختارهای دولتی در نظام جمهوری اسلامی انجام پذیرد.

اصولاً نظارت طی یک فرآیند سیستماتیک لازم و ضروری است، لیکن هر چه دامنه نظارت توسط دولت منطقی و مناسب تر گردد، از حجیم شدن دولت جلوگیری می شود، بعبارتی با جهت دار نمودن یارانه ها در قالب یک سیستم تامین اجتماعی قوی و حذف تدریجی یارانه ها، زمینه های ایجاد رانت را می توان کاهش داد. همچنین کنار رفتن دولت از عرصه فعالیتهای اقتصادی و درعوض شفاف سازی و اصلاح نظام مالیاتی کشور در جهت افزایش سهم درآمد مالیاتی دولت، با دقت لازم انجام گیرد، که کلیه اقدار جامعه از صمیم قلب بطور اتوماتیک مالیات را جهت سازندگی کشور بموقع می پردازند. و دولت نیز به وظیفه اصلی خود در زمینه برنامه ریزی و کنترل در بُعد کلان، همچنین شفاف نمودن عملکرد دستگاههای اجرایی و قوانین وضع شده و اطلاع رسانی در جهت تعیین حقوق اجتماعی و فردی می تواند تک تک افراد جامعه را در مسیر فرآیند نظارت، قرار دهد بدون اینکه حجم دولت (به مفهوم عام) گسترش یابد.

بطور مثال: فرد گرسنه ای را بر سر یک سفره رنگین مامور حفاظت نماییم و توقع تخلف را از وی نداشته باشیم. در اسلام آمده است که زن و مرد نامحرم در یک مکان خلوت با یکدیگر نباشند، یعنی حذف زمینه فساد.

باید کاری کنیم که پس از ۳۰ سال از برقراری نظام حکومتی جمهوری اسلامی، زمینه فساد اقتصادی و مالی و اداری و... بکلی برچیده شود و زمینه (بشیراً و نذیراً) تشویق و تنبیه بحق جایگزین گردد.

دستگاههای نظارتی کشور بایستی ارتباط تنگاتنگ با مدیران داشته باشند و زمانیکه مدیر قصد برخورد با افراد خاطی یا گروهی که بدنبال سوءاستفاده هواهای نفسانی و رانت خواری ورشوه و کارچاق کنی هستند از این مدیر قاطعانه حمایت نمایند، تا مدیر احساس قوت نموده و با تمام توان با آنها برخورد نماید، در غیر اینصورت افراد سوءاستفاده گر به انحاء مختلف کارشکنی کرده و برای مدیر مشکل آفرین خواهند شد و در نهایت هدف اصلی که اصلاح سیستم اداری نظام اسلامی میباشد، تحقق نیافته و با دچار ضعف و نقص خواهد شد. طبیعتاً هر فردی دارای ضعف و اشتباهاتی می باشد، که افراد خاطی شاید بتوانند از آن استفاده کرده و مدیر را تحت فشار قرار دهند و امکان عکس العمل موثر را از وی بگیرند، و با حيله و خدعه اطراف وی را گرفته و در اثر فشارهای مختلف انرژی و توان وی را بکاهد تا

نتیجتاً در تصمیم‌گیری دچار نقص و یا اشتباه و یا اینکه کوتاه بیاید و عقب نشینی نماید، بنابر این هماهنگی و حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی و نظارتی بامدیران ضروری و کمک حال مجموعه خواهد بود.

مجموعه دستگاه‌های نظارتی در ارتباط با موارد تبعیض و فساد با تشکیل یک تیم کارشناسی مجرب می‌تواند مسائل و مشکلات را دسته‌بندی و طی همکاری و حضور مستمر مدیران، تصمیم‌گیری و مواردیکه موجب می‌گردد، زمینه سوءاستفاده در آنها بوجود آید با ارائه نقطه نظرات منطقی و کارشناسی و اجرایی، مشکلات را بموقع حل و فصل نمایند، زیرا آنچه که فساد را به همراه دارد استفاده‌های قانونی افراد رانت خوار و فرصت طلب و رشوه‌گیر و رشوه‌دهنده از وضعیت موجود در روند اجرایی می‌باشد که با پیشنهادات بموقع این زمینه‌ها کاهش پیدا خواهد کرد.

در هر دستگاه اداری با بررسی عملکرد گذشته، مشخص می‌شود چه گروه‌هایی از امکانات موجود سوءاستفاده نموده‌اند و یا منابع خزانه ملت را چگونه هدر داده‌اند، با بررسی همه‌جانبه این عوامل می‌توان عملکرد خود را بهبود و مقررات را طوری تدوین نمود که زمینه فساد را بحول و قوه الهی به حداقل ممکن کاهش داد که نقش دستگاه‌های نظارتی در این ارتباط می‌تواند، کمک و یاور واقعی و صمیمی به دستگاه اجرایی باشد.

نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اداری، دارای ظرافت خاصی است، نظارت دستگاه‌های اجرایی بایستی طوری باشد که جسارت را از مدیران برای تصمیم‌گیری سلب نکند، یکی از ابزارهای در دست مدیر تصمیم‌گیری با قدرت در جلوگیری از امور خلاف است، در صورتیکه این احساس در مدیران بوجود آید که نمی‌توانند بواسطه ترس از خطای احتمالی با سرعت تصمیم‌گیری نمایند، موجب مشکلاتی در دستگاه‌های اجرایی خواهد شد.

از مشکلاتی که در انتصاب‌ها بروز می‌کند بعضاً انتصاب افراد در پست مدیریت بواسطه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و افراد با نفوذ سیاستمداران انجام می‌گیرد، که این افراد کم‌کار و غیر متخصص به مدیران تحمیل می‌شوند، بعضاً بدون ضابطه انجام شده و می‌شود، نقش دستگاه‌های نظارتی با هماهنگی مدیریت ارشد دستگاه اجرایی، برای انتصاب افراد متخصص و کاردان توانمند و سالم، میتواند موثر باشد.

هدف اصلی حکومت اسلامی و دستگاه‌های حکومتی اصلاح ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. لیکن برای انجام آن از ابزارهای مختلف استفاده می‌شود. در این میان باید دید کارآیی و اثر بخشی کدام ابزار مفیدتر و کدام ابزار تهدید بیشتری برای جلوگیری از عملکرد افراد خلافکار را فراهم می‌آورد، باید دقت نمود که چه کسانی و با چه ترفندهایی «قرآن را بر سر نیزه می‌نمایند». پیامبران تنها مأمور دعوت به توحید و مسائل اعتقادی و اخلاقی نبوده‌اند، بلکه اصلاح وضع نابسامان «اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی» نیز بخش مهمی از دعوت آنانرا تشکیل می‌داده است، تا آنجا که آنرا پس از دعوت به توحید بعنوان یک اصل بنیادین مورد توجه قرار می‌دادند. بحث پیرامون مسائل مطروحه بسیار است؛

علی ایحال زمینه همه این مسائل بستگی به فرهنگ و اعتقاد مردم و جامعه دارد، نباید زمان را از دست داد از هم اکنون باید شروع نمود این امر باید از زمان کودکی انجام شود که در آینده جامعه‌ای سالم، صالح، درستکار و فعال و با اعتقاد به اسلام و حکومت اسلامی داشته باشیم. ((خیلی زود دیر می‌شود)).

«خدا یا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار»